

رخداد

قتل در تاجیکستان دستگیری در اصفهان

■ **فارس:** کارآگاهان پلیس آگاهی اصفهان موفق به شناسایی و دستگیری قاتل فراری تحت پیگرد اینترپل شدند سرهنگ حسین‌زاده رییس پلیس آگاهی اصفهان گفت: در پی وصول خبری از سوی اداره کل پلیس بین‌الملل ناجا درخصوص قتل زن ۴۰ساله تاجیکستانی به نام «بالا آفا» به دست فردی ایرانی رسیدگی به این پرونده در دستور کار کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی اصفهان قرار گرفت. وی تصریح کرد: کارآگاهان موفق شدند متهم ۴۴ساله به نام منصور را در یکی از محلات اصفهان شناسایی و دستگیری کنند. وی افزود: متهم در سال ۸۱ دویی به کشور تاجیکستان شهر دوشنبه مسافرت کرد و مدت یک ماه در منزل اجاره‌ای سکونت داشت. در روز آخر اقامتش در شهر دوشنبه زنی به منزل او مراجعه و ادعا کرد وی برای دختر ۱۹ساله‌اش مزاحمت ایجاد کرده است. آن زن به این بهانه قصد داشت از متهم اخاذی کند که متهم از آشپزخانه ماهیتابه برداشت و محکم به سر او زد و گریخت.

نجات از جویه دار

■ **مهر:** مردی که دوست خود را در زمین کشاورزی به قتل رسانده بود با گذشت اولیای دم از مجازات قصاص نجات یافت. غلامحسین ۲۵ساله متهم است روز ششم آبان ۸۴ دوست خود به نام امان‌الله را در باغی حوالی فیروزکوه به قتل رسانده است. روز حادثه صاحب باغ پس از مشاهده جسد با مأموران تماس گرفت و کارآگاهان بعد از حضور در محل با جسد مردی روبه‌رو شدند که یکی از دستناش از ناحیه مج قطع شده بود. از سوی دیگر زنی با مراجعه به مأموران اعلام کرد جسد کشفشده‌در باغ متعلق به شوهرش به نام امان‌الله است که ۱۰روز قبل ناپدید شده است. مأموران با بررسی‌های خود دریافتند مقتول آخرین بار همراه یکی از دوستانش به نام غلامحسین دیده شده است. با کشف این سرخ غلامحسین دستگیر شد و در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد. متهم در جلسه محاکمه با قبول اتهاماتش گفت: شب حادثه برای برداشت سیب‌زمینی به باغ رفته بودیم. مقتول در آنجا پشت سر خواهر حرف زد. من هم عصبانی شدم و با چاقو چند ضربه به گردنش زدم بعد هم برای اینکه از مرگ او مطمئن شوم دستش را از ناحیه مج قطع کردم. پس از این اعترافات قنات شنبه ۷۱ دادگاه کیفری او را به قصاص محکوم کردند که با اعتراض متهم پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد. در حالی که با تایید حکم از سوی شعبه ۱۵ دیوان عالی کشور متهم در یک‌دفعی جویه دار قرار داشت اولیای دم با اعلام رضایت از خون فرزندانش گشت کردند. در ادامه غلامحسین به پرداخت دیه و زندان محکوم شد که این حکم به تایید دیوان‌عالی کشور رسید.

زورگیری برای سفر تفریحی به شمال

■ **شرق:** چهار دوست برای اینکه هزینه سفرشان به شمال را تأمین کنند از پسری جوان زورگیری کردند اما پیش از رسیدن به مقصد به دام افتادند به گزارش خبرنگار ما چون ۲۵ساله‌ای ساعت ۱۳دقیقه بمباد روز شنبه هفته پیش در جاده مخصوص کرج - تقاطع بلوار کوکب خودش را به مأموران گشت پلیس رساند و گفت توسط چهار سرنشین پرایدی تفرهای‌رنگ مورد زورگیری قرار گرفته است. مأموران با شنیدن حرف‌های این مرد در محدوده وقوع جرم به جست‌وجوی متهمان پرداختند و ساعت دو بمباد خودرو موردنظر را مشاهده و هر چهار سرنشین آن را دستگیر کردند. در بازرسی از داخل خودرو متهمان مدارک شناسایی و عابر بانک متعلق به شاکای و همچنین اسناد و مدارک شناسایی متعلق به چند نفر دیگر نیز کشف شد. شاکای پرونده در این مرحله به کارآگاهان گفت: «در میدان آزادی به مقصد شهریار سوار خودرو سارقان شدم. زمانی که می‌خواستم سوار شوم یکی از سرنشینان عقب با طرح این ادعا که وی زودتر از من پیاده خواهد شد، درخواست کرد کنار در سمت راست بنشینم. من نیز به ناچار در صندلی عقب بین دو مسافر دیگر قرار گرفتم. هنوز مسافت زیادی رفته بودیم که ناگهان پرایدسواران با استفاده از جسم نوک‌تیزی که آن را در پهلویم فشار می‌دادند مرا مجبور کردند تمامی پول نقد خود را به همراه ساعت، گوشی تلفن همراه و کارت عابریانک و رمزش به آنها تحویل بدهم.» هر چهار متهم در بازجویی‌ها به زورگیری اعتراف و انگیزه خود را تهیه پول برای هزینه مسافرت و گردش عنوان کردند و مدعی شدند در زمان زورگیری فقط از یک سیخ مخصوص کباب استفاده کرده‌اند. یکی از متهمان در اعترافتش گفت: روز حادثه غلامرضا که از دوستانم و صاحب پراید است با من تماس گرفت و گفت قصد دارد برای گردش به جاده شمال برود و پیشنهاد داد من نیز به همراه دو نفر دیگر از دوستان‌مان همراه او باشیم. پس از شعلال حرکت کردیم و در بین راه تصمیم به زورگیری گرفتیم. ما هزینه مسافرت و گردش خود را تأمین کنیم. برای همین در حالی‌که من به همراه یکنفر دیگر در صندلی عقب پراید نشسته بودیم، پس از سوار شدن جوان ۲۵ساله و با استفاده از سیخ مخصوص کباب اقدام به زورگیری کردیم اما فقط ۲۰ هزار تومان به دست آوردیم و پس از آن و در مدت کوتاهی توسط مأموران دستگیر شدیم. سرهنگ علی اکبر ابادی، رییس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران با تأیید این خبر گفت: «با توجه به وقوع دهها فقره سرقت مشابه در مناطق غرب و جنوب‌غرب تهران و همچنین در مناطق شهریار، صالح‌آباد، نصیرآباد و، در حال حاضر شناسایی دیگر مالباختگان پرونده در دستور کار کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است بنابراین از شناسایی مالباختگانی که به این شیوه و توسط سرنشینان خودرو پراید تفرهای‌رنگ مورد زورگیری و سرقت اموال قرار گرفته‌اند دعوت می‌شود برای شناسایی متهمان و طرح شکایات خود به پایگاه پنجم پلیس آگاهی مراجعه کنند»

شرق: قتل دختری ۲۶ساله با انگیزه سرقت خودرو بزو ۲۰۶ خبر تکان دهنده‌ای بود که هفته گذشته منتشر شد. متهم به قتل که جوانی ۲۱ساله و سابقه‌دار به نام دارا است وقتی توانست به بهانه‌ای پشت فرمان خودرو تینا-مقتول- بنشیند با اتومبیل از روی او رد شد و بعد از قتل فرار کرد. دارا پس از دستگیری به جرمش اقرار کرد و بعدازظهر دیروز به خیابان هشتم گاندی-محل جنایت- انتقال یافت و به بازسازی صحنه قتل پرداخت. پدر تینا عابدینی که بعد از مرگ دخترش اعضای بدن او را اهدا کرده در گفت‌وگو با شرق درباره این واقعه توضیح داده است:

■ **شما بعد از مرگ دخترتان اعضای بدن او را اهدا کردید، چه شد که چنین تصمیمی گرفتید؟**
خودش کارت اهدای عضو داشت و هر بار که از مرگ صحبت می‌شد از ما می‌خواست پس از مرگش این کار را انجام دهیم. ما هم با احترام به نظر او و با توجه به اینکه خودش فرد مثبتی بود ترجیح دادیم بعد از مرگ نیز اثرات مثبت او همچنان ادامه داشته باشد. بنابراین تصمیم گرفتیم اعضای بدن او به جای اینکه زیر خاک از بین بروند، در بدن دیگران ادامه حیات بدهند. او همیشه به فکر مردم بود. تینا دو کتابخانه پر از کتاب دارد که تصمیم داریم آنها را به کتابخانه عمومی اهدا کنیم. امیدوارم اعضای بدن او به افرادی اهدا شده باشد که ادامه حیات‌شان سبب خیر شود. دختر من دکتری مهندسی پزشکی داشت و اختراعی هم برای کودکانی که لکنت زبان داشتند ثبت کرده بود.

■ **متهم به قتل دخترتان را دیده‌اید؟**

بله او آدم مفلوکی است. صراحتاً می‌گویم پدر و مادرش را مقصر این گونه رفتارهای فرزندشان می‌دانم. به نظر من



چنین افرادی باید از جامعه محو شوند تا شاید درس عبرتی برای دیگران شود.
■ **سوابق این فرد نشان می‌دهد او چند بار به زندان رفته است، به نظر شما اگر مجازات انجام شده تأثیرگذار بود، این اتفاق رخ می‌داد؟**

■ **درباره شرایط خانوادگی متهم به قتل اطلاعی دارید؟**
عملکرد هر فرد گویای نوع تربیتش است. من چیزی در مورد والدین او نمی‌دانم. گویا مادرش دکتر است و شنیدم پدرش نمایشگاه ماشین دارد.
■ **چه طور از قتل دخترتان مطلع شدید؟**

حوادث

گفت‌وگو با پدر دختری که قربانی سارق خودرو شد

اعضای بدن دخترم را اهدا کردم



پنج‌دقیقه قبل از اینکه این اتفاق برای دخترم بیفتد با او تلفنی صحبت کردم. قرار بود آن روز با او به دکتر مغز و اعصاب بروم چون سردردهایی دارم که نیاز به درمان دارد. آن روز پنج‌دقیقه قبل از حادثه او به من زنگ زد و گفت دارد به کلاس می‌رود و بعد از اینکه از کلاس آمد به من زنگ می‌زد تا قرار بگذاریم و پیش پزشک برویم. بعد از اینکه تلفن را قطع کرده، ماشین را پارک کرده و آن اتفاق برایش رخ داده بود. ۱۰ دقیقه بعد هم خانی به من زنگ زد و گفت دخترتان تصادف کرده است. من بلافاصله از دفترم در خیابان پاسداران به سمت محل تصادف رفتم. در اتوبان همت به دلیل شلوغی ماشینم را گوشه‌ای پارک کردم و سوار ترک موتوری شدم که راننده آن جوان سربازی بود. او من را به آمبولانسی رساند که دخترم را در آن گذاشته بودند. سوال من این است که چرا دختر من را پس از رسیدن آمبولانس به بیمارستان دی که در چند متری محل حادثه بود، نبردند؟ اگر تینا را به بیمارستان ستی برده بودند احتمال داشت از مرگ نجات پیدا کند.

وقتی این سوال را با مامور اورژانس پرسیدم، گفت آنها باید مصدومان را به بیمارستان دولتی برسانند به همین دلیل او را به بیمارستان فیروزگر بردند. مگر نباید مصدومان را به نزدیک‌ترین بیمارستان برد. سوال من این است که چرا این کار را نکردند و در حالی که بیمارستان‌های زیادی به محل حادثه نزدیک بود دخترم را به بیمارستان فیروزگر بردند.

مرد شکاک دوستش را آتش زد

متهم: تصور می‌کردم مقتول با همسرم رابطه دارد

همراهم را در مغازه جاگذاشتیم. وقتی برگشتم تا آن را بردارم دیدم رامین گوشی‌ام را برداشته و در حال مرور دفترچه تلفن آن است. متوجه شدم می‌خواهد شماره زنم را بردارد و با او رابطه برقرار کند. گوشی را از رامین گرفتم و همان زمان بود که تصمیم گرفتم یکشمش، متهم ادامه داد: روز حادثه مطابق نقشه‌ای که کشیده بودم برای نقد کردن چک با رامین بیرون رفتم. آبمیوه مسموم آماده کرده بودم. در راه آن را به رامین دادم. بعد وارد پمپ بنزین شدیم. گفتم برای رنگ کردن خانم‌ها به بنزین احتیاج دارم. یک گالن بنزین خریدم و راه افتادیم. رامین خواشش گرفت و بعد، از حال رفت. من هم او را به بیابان‌های اطراف تهران کشاندم. ازش در مورد نحوه

سیاست

اعلام رسمی شورای نگهبان:

معاونت نظارت بر قانون اساسی ریاست‌جمهوری غیرقانونی است

«محضر حضرت آیت‌الله جنتی (دامت بر کاته)
دبیر معزز و محترم شورای نگهبان
نظر به اینکه اخیراً پیرامون اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی مباحثی نزد صاحب‌نظران و مسؤولان کشوری مطرح شده و در جهت اجرایی شدن آن اقدامات چندی انجام گرفته که موجب بروز سوالات و ابهاماتی در این خصوص شده، خواهشمند قرار گیرد تا با تفسیر اصل مزبور، به سوالات ذیل پاسخ داده شود:
۱- بنا غایت به اصل تفکیک قوا و وجود نهادهای مسوول در قانون اساسی که هر یک سهمی از نظارت و اجرای آن را بر عهده دارند، مقصود از مسوولیت رییس‌جمهور در اجرای قانون اساسی چیست؟
۲- آیا در مسوولیت اجرای قانون اساسی، رییس‌جمهور می‌تواند از ابزارهایی مانند تشکیل نهاد و سازمانی خاص برای نظارت و پیگیری عدم اجرای اصول قانون اساسی استفاده کند؟
۳- آیا مفهوم مسوولیت اجرای قانون اساسی شامل مسوولیت و پیگیری نقض آن نیز می‌شود؟
عضو حقوقدان شورای نگهبان –کدخدایی»
■ ■ ■
«جناب آقای دکتر کدخدایی
عضو محترم حقوقدان شورای نگهبان
عطف به نامه شماره ۹۱/۳۱/۴۶۰۹ مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۷ مبنی بر اظهارنظر تفسیری درخصوص اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۳/۳۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:
۱- مستفاد از اصول متعدد قانون اساسی آن است که مقصود از مسوولیت اجرا در اصل ۱۱۳ قانون اساسی، امری غیر از نظارت بر اجرای قانون اساسی است.
۲- مسوولیت رییس‌جمهور در اصل ۱۱۳ شامل مواردی نمی‌شود که قانون اساسی در تشخیص، برابشت، نوع و کیفیت اعمال اختیارات و وظایفی را به عهده مجلس خبرگان رده‌ری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، قووقضاییه و هر مقام و دستگاه دیگری که قانون اساسی به آنها اختیار یا وظیفه‌ای محول نموده است.
۳- در مواردی که به موجب قانون اساسی، رییس‌جمهور حق نظارت و مسوولیت اجرا ندارد، حق ایجاد هیچ‌گونه تشکیلاتی را هم ندارد.

دبیر شورای نگهبان –احمد جنتی»

سال نهم ■ شماره ۱۵۷۱

حادثه‌ها

این کلاهبردار را شناسایی کنید



■ **شرق:** پلیس در تعقیب مردی است که با فروش خانه خالهاش دست به کلاهبرداری ۱۱۰میلیون تومانی زده است. به گزارش خبرنگار ما فردی چند روز قبل با مراجعه به کلاشتری باغ‌فیش به مأموران گفت: «مردی به اسم مهدی غفاریو آپارتمانی را به من فروخت و در زمان تنظیم مبایعه‌نامه مبلغ ۱۱۰میلیون تومان از من دریافت کرد اما در زمان انتقال سند مالکیت متوجه شدم او کلاهبردار است.» کارآگاهان در جریان تحقیقات خود فهمیدند مالک اصلی آپارتمان موردنظر زن میاناسی است. او با تأکید بر این موضوع که به هیچ عنوان قصد فروش آپارتمان خود را ندارد به کارآگاهان گفت: «چندی پیش خواهرزاده ۳۱ ساله‌ام به نام «امیر-ع» به بهانه اجاره دادن آپارتمان من سند مالکیت را گرفت و پس از چند روز مدعی شد خانه را به شخصی به نام مهدی غفاریو اجاره داده است.» کارآگاهان که اطمینان داشتند مهدی غفاریو هویت مجعول است با احتمال سابقه‌دار بودن متهم به بررسی بانک اطلاعاتی مجرمان سابقه‌دار پرداختند و فهمیدند خواهرزاده صاحب ملک در سال ۸۶ به اتهام جعل اسناد مالکیت دستگیر و روانه زندان شده بود. مالباخته پس از مشاهده تصویر امیر بلافاصله وی را با هویت مهدی غفاریو شناسایی کرد. از آنجا که این مرد بعد از دریافت مبلغ ۱۱۰میلیون تومان متواری شده بود کارآگاهان به جست‌وجو برای یافتن وی پرداختند اما سرخنی از او به دست نیاوردند به همین دلیل بازپرس پرونده و پلیس از روزنامه‌ها درخواست کردند تصویر متهم را بدون پوشش منتشر کنند تا افرادی که او را شناسند اطلاعات خود را در اختیار کارآگاهان پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران قرار بدهند.

مرگ دروغین برای فرار از حبس

■ **ایسنا:** قاجاچقی مومادخدر برای اینکه از مجازات زندان فرار کند برای خودش گواهی فوت جعلی صادر کرد. سرهنگ مداحی رییس پلیس آگاهی استان آذربایجان‌شرقی در این‌باره گفت: مأموران مطلع شدند فردی به نام «ژاکریا» که در سال ۸۷ به اتهام حمل ۱۴۰ کیلوگرم حبشیش دستگیر و روانه زندان شده بود پس از اینکه با صدور قرار وثیقه از زندان آزاد شد برای خودش گواهی جعلی فوت صادر کرد. رییس پلیس آگاهی استان آذربایجان‌شرقی ادامه داد: این گواهی توسط اعضای خانواده ذکر‌یا به اداره ثبت احوال تحویل داده و سپس با طی مراحل قانونی پرونده زکریا مختومه اعلام شد. وی اظهار کرد: سرانجام مأموران با انجام تحقیقات و هماهنگی قضایی متهم را در محل سکونت‌اش دستگیر و برای انجام تحقیقات به مقر انتظامی منتقل کردند.

دستگیری زوجی که با سرقت از پیر مردی لوستر خریدند

■ **شرق:** زوجی با سوءاستفاده از رمز عابریانک پیرمردی بیش از شش میلیون تومان وجه نقد از حساب وی سرقت کردند. مردی مسن به نام محمدرضا چندنی قبل با حضور در پلیس فتای استان البرز اعلام کرد از حساب بانکی وی مبلغ شش‌میلیون و ۳۰۰هزار تومان سرقت شده. این در حالی است که اطلاعات بانکی خود را برای هیچ‌کس فاش نکرده است. کارشناسان پلیس فتا در اقدامات خود دریافتند سارقی با سارقان با پول این پیرمرد لب‌تاپ، گوشی تلفن همراه، لوستر و طلا خریده‌اند. فروشندگان زوجی جوان را به عنوان خریدار کالاها معرفی کردند و سپس کارشناسان با بررسی تصاویر دوربین مداربسته مغازه‌ها پرداختند اما به علت بی‌کیفیت بودن تصاویر نتوانستند به سرخنی دست یابند. کارآگاهان با انجام تحقیقات گستره موفق شدند نام این زوج جوان را به دست بیاورند. مالباخته وقتی از هویت سارقان مطلع شد عنوان کرد قصد دارد شکایات خود را پس بگیرد اما دختر مالباخته به نام «زاتین» با مراجعه به پلیس فتا از راز این سرقت پرده برداشت و عنوان کرد یکی از متهمان به نام «شایان» مدتی به عنوان کارگر پمپ‌بنزین نزد پدرش مشغول به فعالیت بود و اکنون تهدید کرده است در صورتی که شکایات خود را از پلیس پس نگیرد آبروی او را خواهد برد. تحقیقات کارآگاهان فاش کرد که زن به مدت یک‌سال با شایان رابطه دوستانه‌ای داشته و در این مدت برای پرداخت هزینه تفریح‌شان از عابریانک پدرش استفاده می‌کرده است. «زاتین» با بیان اینکه شایان از رمز عابریانک پدرش مطلع بود، گفت: «هدت یک سال است که من و شایان از یکدیگر جدا شدایم و شایان پس از گذشت یک سال اقدام به سرقت از حساب بانکی پدرم کرده است.» مأموران بعد از اطلاع از این جزئیات شایان را به همراه همسرش دستگیر کردند و به مرجع قضایی تحویل دادند.